

تحلیل جایگاه شهر و زیبایی در هنر اسلامی

دکتر حمیدرضا صارمی*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد

مسعود صارمی

کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۱۰

چکیده

هنر اسلامی برای «شهر» و «زیبایی» جایگاه ویژه‌ای را تبیین نموده، که به علت عدم تبیین اندیشه‌های درست و ناب اسلام، این جایگاه با مسائل و مشکلات فراوانی رو به رو شده است. لذا ضرورت دارد که از منظر هنر اسلامی جایگاه این دو تحلیل و بازنگری شود. در عصر حاضر، دامنه شهر و شهرنشینی همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی را در بر گرفته است. از منظر دین مبین اسلام، از همان ابتدای ظهور اسلام، شهر دارای جایگاه ویژه‌ای بوده، تا جایی که حتی آن را به عنوان مکانی مقدس در نظر گرفته است. چنین اندیشه‌ای در باره شهر در قاموس هیچ مکتبی دیده نشده است. بر این اساس، فرض این است که هنر اسلامی، جایگاه ویژه‌ای را برای زیبایی در شهر مدنظر قرار داده و به این سؤال هم پاسخ داده شده که در دیدگاه اسلام، جایگاه زیبایی در تفکر حاکم بر مکتب شهرسازی و روابط اجتماعی آن‌ها در جایی به نام شهر چگونه تعریف شده است. در هنر اسلامی محوریت شهر به پدیدآورنده آن یعنی انسان و ساکنان آن تعریف شده و در نخستین گام برای تعریف شهر از سایر مکان‌های جمعیتی به عوامل اجتماعی مانند امنیت، رفاه و فراوانی و از منظر کالبدی عواملی مانند نظم، زیبایی، تقارن، تباين، استحکام توجه کرده است. عتاب خداوند متعال مبنی بر این که چه کسی زیبایی‌های جهان هستی را برای بندگان حرام کرده و تأکید بر این که این زیبایی‌ها برای افراد با ایمان در زندگی همین دنیا آفریده شده، به عنوان یک اصل مهم و اساسی شهرسازی است. با پذیرش این اصل، لازم است زیبایی در همه ابعاد اجتماعی و کالبدی محور شهرسازی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شهر، زیبایی، هنر اسلامی.

می‌تواند یکی از متغیرهای مهم در تحوّل شهرهای اسلامی گردد. بر این اساس، پرسش این است که از منظر اسلام، زیبایی در تفکر حاکم بر مکتب شهرسازی و روابط اجتماعی آن‌ها در مکانی به نام شهر چه جایگاهی دارد؟

- بر این اساس می‌توان پرسش‌های فرعی زیر را در نظر گرفت:
- شهر اسلامی چگونه شهری است؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ نظر اسلام در باره شهر چیست؟
- روابط حاکم بر شهر چگونه است؟

۱. شهر و شهر اسلامی

شهر در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، دارای تعاریف گوناگونی است. یکی از تعاریف رسمی که در حال حاضر ملاک برنامه‌ریزی محسوب می‌شود، شهر را مکانی می‌داند که حداقل پنج هزار نفر جمعیت داشته و دارای شهرداری باشد.^۱ این رقم در بعضی از کشورها متفاوت است. اما، تعریف شهر با استناد به مبانی عددی و برگرفته از کتب، تعریفی ناقص و ناتمام است. البته تعاریف فراوان دیگری از شهر بیان شده است که هر کدام بخشی از ویژگی‌های شهر را در نظر می‌گیرد. احمد اشرف، در تعریف مفهوم شهر می‌گوید: «شهر چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی، پایگاه قدرت و جایگاه دستگاه اداری نظام شه پدیری (patrimonial) بوده است. شهر را در زبان فارسی خشت می‌گفته‌اند که به معنای پادشاهی (قلمرو پادشاه) بوده است» (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۱).

از شهر اسلامی نیز تعاریف فراوانی ارائه گردیده است: «شهر اسلامی نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی است که براساس ایده‌آل‌های اسلامی، فرم‌های ارتباطی و عناصر تزیینی خود را نیز در آن وارد کرده است. اما فراتر از مفهوم اجتماعی، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم امت اسلامی آن را تعریف می‌کند» (بمات، ۱۳۶۹: ۱۱).

«شهر دوران اسلامی، قبل از هر چیز یک قلعه ایمان است و از نظر سیاسی و قانون، تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت هستند و از این رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی، اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد» (حبیبی، ۱۳۷۵: ۴۰)

«مهم‌ترین عنصر و اصلی‌ترین جزء و عامل پدیدآورنده شهر؛ انسان یا اهل شهر است که شهر، زیست‌گاه و مکان فعالیت‌های او می‌باشد. در دو گروه اصلی «شهروند» و «مدیر شهر» نیز قابل طبقه‌بندی است. پس از «انسان»، قوانین، مقررات، آداب، شیوه‌ها، رفتار و اخلاق اهل شهر رابطه اهل شهر و همه اجزای شهر با یکدیگر و با طبیعت و ساخته‌های انسان و هستی را در قلمروهای مختلف معنوی و مادی حیات تنظیم می‌کنند. در نهایت نیز «کالبد شهر» قرار دارد که متأثر از دو عامل دیگر و شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی، علمی و هنری است» (نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۵).

نقی‌زاده سپس برای تعریف شهر اسلامی از ارتباط بین سه فضا استفاده می‌کند. در واقع این نگرشی جدید در تعریف شهر اسلامی

شهرها چه در دوره‌های قبل از اسلام و چه بعد از دوره اسلامی همواره جایگاه تمدن و فرهنگ ملل مختلف بوده‌اند. امروزه نیز دامنه نقش شهر و شهرنشینی در تمام بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، بسیار گسترده‌تر از گذشته شده است. شهرنشینی در طول قرن‌های گذشته و به خصوص با ورود اسلام، فراز و فرودهای متعددی داشته است. توجه اسلام به شهر و شهرنشینی و تقدس شهرها سبب شد تا بیش‌ترین رشد شهرنشینی در چهار قرن اول ظهور اسلام در کشورهای اسلامی و بویژه کشور ایران رخ دهد.

خداوند متعال در قرآن دوبار به شهر قسم می‌خورد: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ. وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ؛ ۱. سوگند به این شهر. ۲. شهری که تو در آن جای داری» (بلد: ۲-۱).
وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ؛ سوگند به این شهر امن» (تین: ۳).

از این منظر، شهر در جایگاه بسیار بلندی قرار گرفته که در قلموس هیچ اندیشه و مکتبی با این عظمت از آن یاد نشده است. از طرف دیگر، اندیشه‌مندان اسلامی همواره برای رسیدن به جامعه‌ای ایده‌آل و مدینه فاضله و شهری طیب که خواسته‌های مادی و معنوی آن‌ها شود، تلاش کرده‌اند. دست‌یابی به جامعه‌ای که بستر رشد کمالات انسانی را فراهم کند، نیازمند اندیشه‌هایی بوده است تا با شناخت ابعاد وجودی نیازهای واقعی انسان و شناسایی و بارور کردن آن‌ها به تجلی آن در پیدایش تمدن‌های بشری بینجامد. چنین اندیشه‌ای در برخی از زمان‌ها به طور ناقص ظهور کرد که هر بار به دلایل مختلف، از جمله برداشت نادرست از دین مبنی بر نگاه دنیا و مواهب خدادادی آن سبب شکل‌گیری اندیشه‌های رهبانیت به جای معارف اصیل اسلام شد. نکته‌ای که شهرسازان نباید هرگز از آن عدول کنند، ترسیم اندیشه‌های هنر اسلامی در بهره‌گیری از جهان هستی برای تعالی انسان‌هاست. ترویج صحیح این اندیشه، سبب تجلی و ظهور شهرهایی برگرفته از تمدن اسلامی خواهد شد. برای شناخت هنر اسلامی، یکی از مهم‌ترین منابع، کتاب مقدس قرآن و احادیث ائمه معصومین علیه السلام است.

انسان بنا به سرشت ذات خود، نیازهای فراوانی مانند غذا، سکونت، امنیت (فردی، خانوادگی، اجتماعی، شغلی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اعتقادی)، عبادت، زیبایی، کمال و ... دارد. اختلال در هر یک از این نیازها، در مسیر حرکت انسان را تغییر خواهد داد. تمامی ابعاد نیاز انسان مانند دانه‌های زنجیر در ارتباط با یکدیگرند و کاهش سطح هر یک از این وجوه، بر سایر ابعاد تأثیر خواهد گذاشت. به عنوان مثال اگر حس زیباجویی انسان دچار اختلال شود، دیگر ابعاد هم دچار اختلال می‌شود. امروزه کم توجهی به یکی از این نیازها (زیبایی)، زندگی انسان‌ها را در محیط زندگی شهری مورد تهدید قرار داده است. انواع آلودگی‌های زیست محیطی، آلودگی بصری شهرها و اغتشاش در فضاهای شهری، بخشی از این تهدیدها محسوب می‌شوند.

هنر اسلامی، جایگاه ویژه‌ای را برای زیبایی در همه عرصه‌های زندگی و شهرها تعریف کرده است و محور قرار دادن زیبایی

انسان‌ها با جمعیت‌های مختلف به کار گرفته شده است. بدون استثنا همه مترجمان و مفسران در ترجمه کلمه «مدینه» آن را به شهر تفسیر کرده‌اند. نکته‌ای که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نوع به کارگیری کلمات در باره نقش هر کدام از آن‌ها برای مکان‌هاست. قرآن کریم برای برخی از مجتمع‌های زیستی لفظ قریه را به کار برده که در بعضی از تفاسیر، این مجتمع‌های زیستی جمعیت نسبتاً زیادی داشته‌اند. این موضوع بیانگر این است که در هنر اسلامی، تعریف شهر از کمیت تبعیت نمی‌کند، بلکه ماهیت و رفتارهای ساکنان آن مکان‌ها است که مورد تمایز بین شهر و سایر سکونت‌گاه‌ها است.

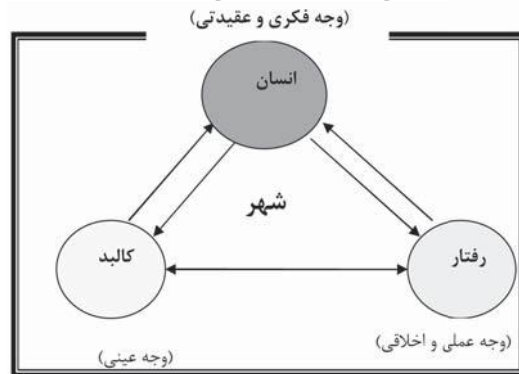
قریه: کلمات مشتق از قریه شامل «القریه»، «قریتک»، «قریتکم» و «قریتنا» در مجموع ۵۷ بار در قرآن تکرار شده است. معنایی که در ترجمه‌های مختلف برای قریه به کار گرفته شده، جایگاه زیست مردمان است. خواه در این جایگاه بزرگ‌ترین جمعیت و خواه کم‌ترین جمعیت باشد.

در ترجمه کلمه «قریه»، مترجمان قرآن از کلمه شهر، آبادی، دیه، قریه، ده و دیار استفاده کرده‌اند، که به معنی محل تجمع انسان‌ها بوده است. سید رضا سراج، فولادوند، محمد کاظم معزی، بهاء‌الدین خرمشاهی و محمد خواجوی قریه را شهر، الهی قمش‌های قریه را دیار، جلال‌الدین مجتبی و مکارم شیرازی آن را آبادی و شهر، کاظم پور، اشرفی تبریزی، ابوالحسن شعرانی و عبدالمحمد آیتی قریه را قریه، حاج محمود یاسری و صاحب محدث دهلوی قریه را به دیه‌ها و فیض الاسلام آن را شهر و ده ترجمه کرده‌اند.
دار: کلمه دار و مشتقات آن شامل «دار»، «دارکم» و «دارهم» در مجموع ۳۲ بار در قرآن آمده است. معانی سراء، جایگاه و اقامت‌گاه به عنوان معنای این کلمات در قرآن به کار برده شده است.

بلد: کلمه بلد و مشتقات آن شامل «بلد»، «بلدا»، «البلاد» و «بلده» در مجموع ۱۹ بار در قرآن آمده است. کلمه بلد هم بیش‌تر به شهر معنی شده است.

با تدبیر در معانی کلمات، مشخص می‌شود که در الگوی مبانی دینی اسلام، کلمه شهر از قوانین مدون شریعت اخذ شده و هیچ ملاک کمی اعم از مساحت، ارتفاع، وسعت و جمعیت در آن لحاظ نشده است. ممکن است مکانی با جمعیت کم و داشتن ملاک‌های مد نظر قرآن، شهر محسوب شود و مکان‌هایی با میلیون‌ها جمعیت شهر محسوب نشود.

است که شهر اسلامی را شکل گرفته از اندیشه اسلامی می‌داند. از این منظر، «برای ظهور شهر اسلامی، انطباق و همپوشانی سه «فضا» یا عنصر ضرورت دارد. این سه فضا عبارتند از: فضای فکری، فضای عینی و فضای کالبدی». در حقیقت، شهر اسلامی فقط کالبد نیست و علاوه بر «کالبد»، دو مقوله مهم دیگر نیز در تعریف شهر اسلامی و تجلی آن ایفای نقش می‌کنند.



تصویر شماره ۱: رابطه سه عنصر اصلی ذخیل در ظهور شهر (منبع: نقی زاده، ۱۳۸۷: ۴۵)

هر کدام از تعاریف ارائه شده برای شهر و شهر اسلامی به مباحثی در ارتباط با شهر اشاره دارند، ولی شهر از منظر هنر اسلامی با نگرش دیگری ارائه شده است. برای روشن شدن نگرش و تعریف کامل‌تر از شهر، ابتدا تمام کلمات مرتبط با شهر از قرآن استخراج و سپس با استناد به همین آیات، تعریف شهر، بیان شده است. در قرآن واژه‌های قریه و مشتقات آن ۵۷ مرتبه، «المدینه» و «المدائن» ۱۷ بار، «بلد» به چهار صورت (بلد، بلده، بلدا و البلاد) در مجموع ۱۹ بار، کلمات «دار»، «دارکم»، «دارهم» در مجموع ۳۲ بار و «الدیار»، «دیارکم»، «دیارنا»، «دیارهم» در مجموع ۱۶ بار آمده است. در بعضی از آیات، شهر خاصی مورد نظر بوده است (بیان اسم خاص)، در بعضی دیگر موضوع اصلی و پیام آیه به هیچ کدام از ویژگی‌های شهر ارتباط نداشته و در تعدادی دیگر از آیات به طور مستقیم به یکی از ویژگی‌های شهر و مراکز جمعیتی اشاره شده است (جدول شماره (۱)).

مدینه: مدینه بر وزن قبیله و به معنی شهر است که در نظر بعضی از دانشمندان، جمع آن مدن است. از این کلمه در نگاه اول تجمع انسان‌ها برداشت می‌شود. ولی در ترجمه و تفسیر کلمه «مدینه»، یکی از رموز قرآن نهفته است. اما قریه برای تجمع

جدول شماره (۱): آیاتی که به ویژگی‌های شهر اشاره کرده‌اند

ردیف	واژه‌های قرآنی ^۴	معانی برگرفته از ترجمه‌های قرآن	تعداد تکرار
۱	مدینه	شهر	۱۷
۲	قریه و مشتقات آن	شهر، آبادی، دیه، قریه، ده و دیار	۵۷
۳	بلد، بلده، بلدا و البلاد	شهر	۱۹
۴	الدیار، دیارکم، دیارنا، دیارهم	خانه، سرا و شهر	۱۶
۵	دار، دارکم و دارهم	سراء، جایگاه و اقامتگاه	۳۲

منبع: نگارندگان

هنر اسلامی در نخستین گام، بین شهر و سایر مکان‌های جمعیتی تمایز قائل شده است. در واقع شهر به مکانی اطلاق می‌شود که از منظر اجتماعی دارای امنیت، رفاه و فراوانی و از منظر کالبدی واجد نظم، زیبایی، تقارن، تباین، استحکام و سازگار با طبیعت باشد. جمعیت زیاد در ارتباط مستقیم با یکدیگر و رعایت حقوق متقابل بر مبنای عدالت محوری، با تلفیق حقوق فرد و جامعه برای آبادانی در زمین و همچنین توجه به دو عنصر درون‌گرایی و برون‌گرایی شهرسازی در ارتباط مستقیم با مشخصه‌های شهر اسلامی است.

هنر اسلامی، اهمیت ویژه‌ای برای اجتماع و مسائل اجتماعی مردم قایل است. توجه ویژه به مباحث مسجد، مسجد جامع، محله، همسایه، نمازهای جماعت پنج‌گانه، نماز جمعه، حج، جهاد، تولی، نماز عید فطر و عید قربان و همچنین توجه ویژه به ازدواج نشان‌دهنده اهمیت مسائل اجتماعی است. این رویکرد اسلام، نقش مهمی در شکل‌گیری شهرهای بزرگ اوایل دوره اسلامی و بعد از آن تمدن اسلامی داشته است. تأکید اسلام بر شهرنشینی و دوری از روستانشینی و الزام به زندگی در شهرهای بزرگ، زمینه‌ساز رشد هنر معماری، شهرسازی و توجه به نقش اجتماع، از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی است. «الزموا السواد الاعظم فان یدالله مع الجماعة؛ ملازم جمعیت‌های بزرگ باشید، همانا دست خدا همراه جماعت است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳). از منظر هنر اسلامی، زیستن در شهرهای بزرگ به رشد فکری و ارتقای تعاملات اجتماعی انسان کمک می‌کند و مردم آن، مورد لطف و عنایت خداوند علیم قرار می‌گیرند. بنابر این شهر اسلامی، شهری است که فضایل انسانی مانند عدالت، مکارم اخلاق، صداقت، بردباری، سخاوت، علم و فرزاندگی، امنیت و آسایش و به طور کلی همه سجایای انسانی در آن موج بزند. البته در نگاه به کالبد، هرگز از این فضیلت‌ها غفلت نمی‌کند و به نوعی در صدد است که فضاها به گونه‌ای ساخته شوند که برای انسان فضیلتی به همراه داشته باشند. مسلمانان براساس نص صریح قرآن معتقد به این اصل کلی هستند که همه موجودات عالم دارای حیاتند و تسبیح خداوند را می‌گویند: «تَسْبِیْحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَکِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیْحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِیْمًا عَفُورًا؛ آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر آن چه در آن‌هاست، او را تسبیح می‌گویند و هیچ موجودی نیست، مگر آن که تسبیح‌گوی اوست و لکن شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید که خداوند بردبار و بخشنده است (اسراء: ۴۴).

ما سمعیم و بصیریم و هُشیم

با شما نامحرممان ما خاموشیم

«وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا؛ هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست و خداوند بر همه چیز احاطه دارد» (نسا: ۱۲۶).

در واقع این اندیشه زیبایی مسلمانان است که با استناد به کتاب مُتَقَن‌الْهَی، آهن و سنگ و چوب و بتن را دارای هوشمندی و مرتبه‌ای از شعور تلقی می‌کند و همه آن‌ها را در فرمان الهی

می‌داند. اندیشه‌ای که سنگ، چوب و آهن را بی‌جان تصور کند، اندیشه‌ای باطل، کور، کر و لال است.^۵

بر این اساس، شهر بر مبنای نظم، کمال، استحکام، زیبایی، پاکیزگی، امنیت، حقوق متقابل، پرهیز از اسراف، لطافت، مهربانی، رعایت حقوق حیوانات، رعایت حقوق همسایگی، درختان، آب، هوا و مواردی از این قبیل در نحوه تعامل انسان و محیط پیرامون آن تعریف می‌شود.

شهر اسلامی: با وجود همه تعاریفی که از شهر شده است، به دلیل عدم پاسخ‌گویی این تعاریف به همه ابعاد شهر، لازم است تعریف نسبتاً جامع‌تری از شهر ارائه گردد. در این تعریف سعی شده است همه ملاک‌های موجود در شهر اسلامی لحاظ شود. هر مجتمع زیستی با اجتماعی از انسان‌ها (کم یا زیاد) که بر اساس عدالت، آگاهی، تعادل، معرفت، امنیت، رفاه، فراوانی، پویایی، استحکام، زیبایی و روابط اجتماعی منشعب از مبانی قرآن زندگی کرده و منافع همه جانبه مردم در نظر گرفته شده باشد، شهر نامیده می‌شود.

۲. زیبایی در قرآن

نگاه ظریف دین مبین اسلام و ایدئولوژی مسلمانان در اصل توحید و یگانگی و همچنین جهت‌دار بودن همه حرکات در عبادت مانند جهت قبله و تنظیم عبادت‌ها با ماه‌های قمری و همچنین سفر به حج از اقصا نقاط جهان، سبب شده تا مساجد، مناره‌ها، محراب و تزئین آن‌ها در طول ۱۴۰۰ سال گذشته، آثار بدیع و بی‌نظیری در سراسر کشورهای اسلامی باشند.

زیبایی، بدون شک اصلی‌ترین محور هنر اسلامی از زمان پیدایش اسلام بوده است. ثبت و ضبط قرآن کریم و تقدس فوق‌العاده مسلمانان به این کتاب الهی، سبب گردیده است تا هنر خوشنویسی در کتب و نماهای درونی و بیرونی ساختمان‌های مذهبی و مسکونی، اوج تعالی بخشی از هنر اسلامی را به تصویر بکشد.

اهمیتی که دین مبین اسلام برای طبیعت و بهره‌گیری از مواهب آن، قایل است، سبب تکامل معماری و شهرسازی همساز با اقلیم در بلاد اسلامی را در پی داشته است. مسجد به عنوان مقدس‌ترین مکان و محوریت مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به معماران مسلمان کمک نموده تا بتوانند، اوج هنر خود را به نمایش گذاشته، همه ابعاد آن را به ترسیم بکشند. این اندیشه توانسته پایه‌گذار تمدن اسلامی در اعصار گذشته شود و در آینده نیز با سرعت بیش‌تری به پیش رود.

یکی از ابعاد فطری انسان، زیباجویی است. دامنه زیبایی، دامنه‌ای گسترده است که پهنای آن به عظمت همه جهان مادی و غیر مادی می‌رسد. تجلی اندیشه‌های زیبا در کالبد جهان به تصویر در می‌آید و همین اندیشه زیباجویی دین مبین اسلام است که هزاران اثر هنری مادی و معنوی، اعم از معماری، شهرسازی، شعر، خط و ... را به ظهور رسانده است.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ

نُفَّصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ بگو: چه کسی زینت‌های الهی را برای بندگانش آفریده و نیز روزی‌های پاکیزه را حرام کرده؟ بگو: این زینت‌ها و نعمت‌ها برای افراد با ایمان در زندگی دنیا آفریده شده است (اعراف: ۳۲).

امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب می‌فرماید «ان الله جميل يحب الجمال و يحب ان يري اثر نعمته علي عبده»، خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده‌اش ببیند (فیض کاشانی: ۹۳).

مرحوم علامه محمد تقی جعفری در کتاب زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام می‌فرماید: «در دنیای ما موضوع زیبایی که خداوند متعال در دیدگاه ما قرار داده است، موضوعی اصیل است، نه این که بشر آن را به طور غیر واقعی از جانب خودش مطرح کرده باشد. در واقع تشخیص زیبایی و رفتن به دنبال زیبایی، ریشه در روح ما دارد. شاید یک علت بسیار مهم برای خلق زیبایی‌هایی که خداوند در طبیعت آفریده یا در درون ما به ودیعت نهاده است، این باشد که اساساً روح در این دنیا بدون دریافت زیبایی نمی‌تواند آرام بگیرد و دوام بیاورد». همچنین می‌فرماید: «معنای زیبایی و جمال، حقیقتی است که در برابر درک آدمی نهاده می‌شود و موجب تحریک شهود، ذوق و یا احساس خاص «زیبایی» می‌گردد و یا در وضع روانی آدمی انبساطی به وجود می‌آورد و حدّ اعلای زیبایی نمودی است نگارین و شفاف که بر روی کمال کشیده شده است و کمال عبادت است از قرار گرفتن هر موضوعی در مجرای بایستگی‌ها و شایستگی‌های خود» (جعفری: ۲۸۰). آیات فراوان دیگری نیز وجود دارند که علاوه بر زیبایی به همه ابعاد زیبایی، نظم، تناسب و ... دلالت دارد. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ، که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال آفریدیم» (تین: ۴). هنر جلوه جمال است و جمال و تجمل یعنی زیبایی و زیباسازی، محبوب خدا و فرهنگ اسلامی است. خداوند متعال معمار بزرگ هستی، پیوسته مظاهر وجود را زینت داده و آسمان بی انتهای این زمین را با قندیل روشن ستاره‌ها آراسته و گستره خاک را با سبزه‌ها و گل‌ها، رودها و صخره‌ها و چشم‌انداز دلنواز دشت‌ها آرایش داده است.

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ ... ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به خود بگیرید» (اعراف: ۳۱). به نظر می‌رسد این دستوری کلی برای پنج بار نماز در طول شبانه روز باشد. چون اولاً توصیه این است که نمازها را در مسجد به جا آورید و ثانیاً نمازها را در پنج وقت بخوانید. با چنین ویژگی باید در روز پنج بار، انسان‌ها خود را زینت دهند. چنین دیدگاهی بیانگر ابعاد فراوانی در زندگی انسان است. به طور مثال، نماز مقدماتی دارد که شروع آن با طهارت است. برای انجام این فریضه، باید مکان‌های طهارت اعم از عمومی و خصوصی از اصل زیبایی بهره گرفته باشند. سپس حرکت به سمت مسجد است. مکان حرکت اعم از خیابان، کوچه و میدان نیازمند تبعیت از اصل زیبایی است. وقتی توصیه این است که زیبایی را با خود به مسجد ببرید، آیا آن مکان مشمول این قاعده نمی‌شود؟ البته پاسخ مثبت است. مسجد

مرکز و قلب شهر است. با چنین تعریفی دستور زیبایی برای مسجد شامل همه شهر است؛ یعنی این که شمول این زیبایی نمی‌تواند خاص لباس و عطر و آرایش باشد، بلکه همه امور مرتبط با آن را در بر می‌گیرد.

بهره‌مندی از زیبایی در شهر

در طول سالیان متمادی اندیشه‌ای ناخردانه، خُرافی و انحرافی با رنگ و لعاب اسلام توسط افرادی (اندک) مُغرض یا ناآگاه، توجیه‌گر دوری‌گزینی انسان از مواهب الهی بوده و سعی در کشاندن اندیشه‌های اسلامی به سمت روی‌گردانی از دنیا و زیبایی‌های آن داشته است. این اندیشه، بدون توجه به مبانی دین پر فروغ اسلام با تکیه بر ویژگی‌های بی‌شمار آخروی سعی در تضعیف برنامه‌ریزی برای استفاده از مواهب الهی در دنیا داشته است. در قرآن اشاره شده که بهشتیان وقتی از میوه بهشت میل می‌کنند، بیان می‌کنند که پیش از این در دنیا این میوه نصیب‌شان شده است.

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأَنُؤَبِ بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ و مژده ده آنان را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند. برای آن‌ها باغ‌هایی است که نهرها در آن جاری است و چون میوه‌ای از آن روزی‌شان شود گویند: این مانند همان میوه‌هایی است که پیش از این روزی ما شده بود و از همان‌ها برای آن‌ها آورده شود. در آن جا همسران پاکیزه دارند و ایشان در باغ‌ها برای همیشه زندگی می‌کنند» (بقره: ۲۵).

اندیشه هنر اسلامی واقعی این است که بهره‌مندی از زیبایی‌ها و نعمت‌ها نه تنها جایز، بلکه پسندیده است. نعمت‌های دنیوی از فضل الهی و تصویر قطره‌ای از دریای نعمت‌های بی‌کران و دائم بهشت است. دنیا حاشیه بهشت و آیین‌های از اعمال این جهان نسبت به جهان آخرت است. اگر یکی از ویژگی‌های بهشت زیبایی باشد، بنابر این باید زمینه آن نعمت‌ها از این جهان شکل گیرد و سپس در آن جا به طور کامل تحقق یابد. فردی که در این جهان همه زندگی خود را بر زشتی بنیان نهاده است، نمی‌تواند منتظر بهشت پر از زیبایی باشد.

در آیه‌ای از قرآن مبین، حیات طیبه را ابتدا در همین دنیا تعریف فرموده و آن را نتیجه اعمال نیکوی انسان در جهان خاکی بیان کرده است. این آیه سندی معتبر و مستدل برای بهره‌مندی از زیبایی‌ها و توجه اصل زیبایی و زیباسازی در همه عرصه‌های عمومی و خصوصی شهر است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ آن که کار شایسته انجام می‌دهد، خواه مرد یا زن در حالی که اهل ایمان باشد، به او زندگی پاکیزه (حیات طیبه) و پاداشی خیلی بهتر از آن چه انجام داده، خواهیم داد» (نحل: ۹۷).

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه آورده است: «و به این ترتیب معیار، تنها ایمان و اعمال صالح زاینده آن است و دیگر هیچ قید و شرطی نه از نظر سن و سال، نه از نظر نژاد، نه از نظر

جنسیت و نه از نظر پایه و رتبه اجتماعی در کار نیست. نتیجه این عمل صالح و مولود ایمان در این جهان، «حیات طیبه» است. یعنی تحقق جامعه‌ای قرین آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود، و از نابسامانی‌ها، درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هوا پرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تاریک می‌سازد. در امان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳۹۰: ۱۱).

از آیات قرآن استناد می‌شود که برای ورود به زندگی زیبای آخرت، باید ابتدا مصادیق آن در این جهان تجلی یابد. دین اسلام قبل از آبادی جهان آخرت، این دنیا را آباد می‌کند. دنیا قدم‌گاه و حاشیه بهشت است. باید پذیرفت که دنیای فقر، ظلمت، زشتی، جهل، ظلم، نابسامانی، ذلت و ناامنی نمی‌تواند مقدمه آخرت، زیبایی، عزت، امنیت و سعادت گردد. ترسیم چشم‌انداز شهرهایی زیبا، نیازمند الگویی مناسب برای تدوین چارچوب آن است. همان گونه که قبلاً نیز بیان شد، هنر اسلامی انسان را به بهره‌گیری از زیبایی‌های جهان هستی دعوت فرموده و هرگونه دوری از زیبایی‌ها را مورد نکوهش قرار داده است.

شهرها گوشه کوچکی از قدرت‌نمایی خداوند متعال در عرصه زندگی دنیایی است. لذا هر چه زیباتر باشد، به خدا نزدیک‌تر است. شهرها هنر انسان در پیدایش تمدن هستند و نباید آن را ایده‌ای دست نیافتنی قلمداد کرد. هنر نمایی خداوند متعال در اسرار طبیعت، راز و رمز فراوانی دارد که رمز‌گشایی هر کدام از آن‌ها تحولی عظیم از طبیعت برای افزایش بهره‌وری انسان است. با این وصف شهرسازی باید در جهت دادن و خلاقیت و ارائه خط سیر، با صنع الهی و خلاقیت خداوند و پویایی نسبت مستقیم داشته باشد. خداوند در قرآن کریم و در بعثت انبیا و مکاتب آسمانی، سعادت انسان را در دوری گزیدن از روزمرگی، پوچی و تعلقات دنیوی دانسته است. این شیوه الهی است، شهر اسلامی باید این خصیصه

را داشته باشد و انسان را همواره به سمت تکامل سوق دهد. آیات و احادیث فراوانی در باره چگونگی شکل‌گیری و ایجاد جامعه‌های مبتنی بر ارزش‌های زیبایی وجود دارد که با استفاده از این رهنمودها می‌توان ساختار «شهر زیبا» و بهره‌مندی از آن را بنیان نهاد. تحقق شهرهایی زیبا، ارزش‌گذاری به مقام انسان و جایگاه او در تسلط بر مخلوقات عالم است.

«وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ، وَ مَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ، وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مِّنْ حَبْلِ الْجَنَّةِ وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَآخِرَ فِيهِ وَ لِنَبِّئُكَ مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ، وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ، وَ عَلَامَاتٍ وَ بِاللَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ؛ و هم شب و روز و خورشید و ماه را برای زندگانی شما در گردون مسخر ساخت و ستارگان آسمان هم به فرمان او مسخرند. همانا در این کار آیت‌ها و نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای اهل خرد پدیدار است و نیز آن چه در زمین برای شما آفرید و به انواع گوناگون و اشکال رنگارنگ در آورد (همه را مسخر شما کرد). همانا در این کار هم آیت و نشانه‌ای (از الهیت) بر مردم هشیار پدیدار است و هم او خدایی است که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت تر و تازه (ماهیان حلال) آن تغذیه کنید و از زیورهای آن (مانند درّ و مرجان) استخراج کرده و تن را بیارابید و کشتی‌ها را در آن روان بینی که سینه آب را می‌شکافند (تا به تجارت و سفر رفته) و تا از فضل خدا روزی طلبید، و باشد که شکر خدا به جای آرید و نیز کوه‌های بزرگ را در زمین بنهاد تا زمین شما را به لرزه و اضطراب نیفتد و نهرها جاری کرد و راه‌ها پدیدار ساخت تا مگر هدایت شوید. و نشانه‌هایی در زمین مانند کوه‌ها و دریاها و رودها و جنگل‌ها مقرر داشت و آنان به ستارگان (در شب‌ها) هدایت یابند» (نحل: آیات ۱۲ تا ۱۶).

جدول شماره (۲): هدف از خلقت عناصر مختلف طبیعی در آیات الهی

آیات الهی	هدف از خلقت و کارکرد آنها
شب، روز، خورشید، ستاره، ماه و ستارگان آسمان	در تسخیر انسان برای بهره‌مندی در زندگی
همه آنچه در زمین است	در تسخیر انسان برای بهره‌مندی در زندگی انواع گوناگون اشکال رنگارنگ
دریا	تغذیه از گوشت تر و تازه استخراج زیورهای دریا برای آراستن بدن انسان حرکت کشتی‌ها در دریای
کوه‌ها	زمین به لرزه و اضطراب نیفتد
نهرها	برای راهیابی انسان

(منبع: نگارنده)

گوی سبقت را از شهرهای اروپایی برابند. زیرا «در زمانی که یک شخص می‌توانست با استفاده از روشنایی خیابان‌های شهرهای اسلامی مسافت ده کیلومتر را طی کند، تا هفتصد سال بعد

روشنایی و فرش کردن خیابان‌ها را نیز می‌توان در چارچوب زیرسازی خیابان‌ها قرار داد، که در شهرهای اسلامی اهمیت زیادی برای آن‌ها قائل می‌شدند. در این مورد، شهرهای اسلامی توانستند

حتی یک چراغ در خیابان‌های لندن یافت نمی‌شد» (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۱۹۱).

«در زمانی که شب‌ها حتی یک چراغ روشن در خیابان‌های شهر لندن وجود نداشت و در خیابان‌های شهر پاریس نیز حتی تا قرن‌ها بعد اثری از سنگ‌فرش به چشم نمی‌خورد، خیابان‌ها و معابر شهرهای اسلامی شب‌ها روشن و اکثراً سنگ‌فرش شده بودند (پیشین: ۱۹۴).

این پیشرفت در کشورهای اسلامی مرهون تفکّر حاکمان و اندیشه‌مندان اسلامی بود. قرآن کریم با کلمات بسیار زیبا از ستارگان با عنوان زینت و آراستگی دنیا یاد می‌کند. «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ؛ ما آسمان دنیا را به زینت ستارگان آراستیم، (الصفات: ۶).

«... وَ زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ...؛ و آسمان دنیا را به ستارگان زینت دادیم» (فصلت: ۱۲).

وَ لَقَدْ زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ؛ ما آسمان دنیا را به چراغ‌هایی زینت بخشیدیم...» (ملک: ۵).

۳. زیبایی، اساس آفرینش

«شهر زیبا» بستر اولیه برای ارتقای شاخص‌های توسعه شهری است. علاوه بر این، احساس زیبایی در میان شهروندان از عوامل مهم و فزاینده در تغییر رفتار آن‌هاست. پایه و اساس هنر و شهرسازی به عنوان یکی از مظاهر طبیعت، زیبایی است. شهرها، در هر جامعه‌ای پیش از آن که محصول نقشه و آهن و بتن باشند، از عناصر فرهنگی حاکم بر آن جامعه شکل می‌گیرند. اگر بتوان این عناصر را از فرهنگ اسلامی اخذ و بر جامعه حاکم کرد، آن‌گاه سیمای شهرها و عرصه‌های عمومی و خصوصی با حیات معنوی و مادی آمیخته و امنیت، عدالت و فراونی زندگی را با خود همراه می‌کند و شهرسازی اسلامی شکل خواهد گرفت.

خداوند جمیل به انسان‌های نیکوکار، وعده ورود به «شهر امن» داده و از میان همه نعمت‌ها بیش‌ترین تأکید را بر زیبایی‌های بهشت قرار داده و اساس خلقت جهان را زیبایی بیان فرموده است.^۷ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ ما آن‌چه را روی زمین است، زینت آن‌ها قرار دادیم تا بدین وسیله مردم را امتحان کنیم که چه کسی بهتر عمل می‌کند» (کهف: ۷).

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: کلمه «زینت» به معنای هر امر زیبایی است که وقتی منضم به چیزی شود، جمالی به او می‌بخشد، به طوری که رغبت هر کسی را به سوی آن جلب می‌کند. کلمه «صعید» به معنای قشر زمین است و کلمه «جرز» به طوری که مجمع البیان گفته، زمینی است که گیاه نروپاند، گویی تخم گیاهان را می‌خورد (مجمع البیان، ج ۶: ۴۵۰). در این دو آیه، بیان عجیبی در حقیقت زندگی بشر در زمین ایراد شده، و آن این است که نفوس انسانی - که در اصل جوهری است علوی و شریف - هرگز مایل نبوده که به زمین دل ببندد و در آن جا زندگی کند، ولی عنایت خداوند تبارک و تعالی چنین تقدیر کرده که کمال و سعادت جاودانه او از راه اعتقاد و

عمل حق تأمین گردد. به همین جهت تقدیر خود را از این راه به کار بسته که او را در شرایط اعتقاد و عمل قرار داده، به محک تصفیه و تطهیرش برساند و تا مدتی مقدر در زمینش اسکان داده میان او و آن چه که در زمین هست علقه و جذبه‌ای برقرار کند و دلش به سوی مال و اولاد و جاه و مقام شیفته گردد. این معنا از آیه‌ای استنباط شد که می‌فرماید: آنچه در زمین هست ما زینت زمین قرارش دادیم. و زینت بودن مادیات فرع بر این است که در دل بشر و در نظر او محبوب باشد، و دل او به آن‌ها بستگی و تعلق یافته در نتیجه سکونت و آرامش یابد. آن‌گاه وقتی آن مدت معین که خدا برای سکونت‌شان در زمین مقرر کرده به سر آمد، و یا به عبارتی آن آزمایشی که خدا می‌خواست از فرد فرد آنان به عمل آورد و تحقق یافت، خداوند آن علاقه را از بین آن‌ها و مادیات محو نموده، آن جمال، زینت و زیبایی را از زمین می‌گیرد. و زمین به صورت خاکی خشک و بی‌گیاه می‌شود. آن سرسبزی و طراوت را از آن سلب می‌کند، و ندای رحیل و کوس کوچ را برای اهلش می‌کوبد، از این آشیانه بیرون می‌روند، در حالی که چون روز تولدشان منفرد و تنها هستند. این سنت خدای تعالی در خلقت بشر و اسکانش در زمین و زینت دادن زمین و لذا یز مادی آن است تا بدین وسیله فرد فرد بشر را امتحان کند و سعادتمندان از دیگران متمایز شوند. به همین منظور نسل‌ها را یکی پس از دیگری به وجود می‌آورد و متاع‌های زندگی را که در زمین است، در نظرشان جلوه می‌دهد، آن‌گاه آنان را به اختیار خود وا می‌گذارد تا آزمایش تکمیل گردد. بعد از اتمام آن، ارتباط مزبور را که میان آنان و آن موجودات بود بریده، از این عالم که جای عمل است به آن جا که سرای حساب است، منتقل می‌کند (ترجمه المیزان، ج ۱۳: ۳۳۳).

شهر، محل زندگی، کار و تفریح شهروندان است. بخشی از رفتارهای انسان از محیط شهر گرفته می‌شود. اصل طبیعت بدون دخل و تصرف انسان واجد زیبایی است، اما با دخل و تصرف انسان، ممکن است به زیبایی آن افزوده شود و یا به سمت زشتی سوق یابد. خداوند متعال این زینت‌ها را برای این دنیا و انسان‌های ساکن در آن در نظر گرفته و زیبایی‌های کامل آن را برای نیکوکاران در جهان دیگر وعده داده است.^۸

زیبایی چنان نقشی در زندگی دنیا دارد که پیامبر اسلام شرط ورود به بهشت را پاکیزگی و دوری از کثافت و زوایدگی بیان فرموده است. «إِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ فَتَنْظِفُوا فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ؛ اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید که هر کس پاکیزه نیست، به بهشت نمی‌رود» (نهج الفصاحه (مجیدی خوانساری)، بی‌تا: ۲۷۶).

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْوَسْخَ وَالشَّعْثَ؛ خداوند کثافت و زوایدگی را دشمن دارد» (نهج الفصاحه (پیشین: ۳۰۴).

در مورد زندگی دنیایی، قرآن کریم بخشی از زیبایی‌های کاخ سلیمان را به تصویر کشیده و به نکات بسیار زیبایی اشاره فرموده است.

«قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ؛ به ملکه سبا گفتند: به

حیاط قصر داخل شو. تا آن صحنه را دید، گمان کرد نهر آبی است. پاهای خود را برهنه کرد تا از آن آب بگذرد. سلیمان گفت: حیاط قصر از بلور صاف ساخته شده است...» (نمل: ۴۴). سلیمان، پیامبر بزرگ و اسوه انسان‌هاست، و ناهنجاری در زندگی او راه ندارد. وی خانه‌اش را چنان زیبا، هنری و چشم‌فریب ساخته بود که نه تنها انسانی‌های معمولی، بلکه ملکه سبا را نیز در سراب دل‌انگیز زیبایی‌هایش به اشتباه انداخت. ملکه سبا (بلقیس) هنگام ورود به کاخ سلیمان کف پوش لاجوردی و آب‌نمای ساختمان را موج‌های آرام آب زلالی پنداشت که بر هم می‌غلطید. جامه برگرفت تا خیس نگردد. آن‌گاه بدو گفتند: این کف پوش‌ها آبگینه‌های صیقل داده شده است، آب نماست و آب نیست. امروز در پیشرفته‌تری شیوه‌های معماری جهان نیز چنین زیبایی چشم‌فریب و دلنوازی دیده نمی‌شود.

روایت زیبایی از امام صادق (ع) بیان شده است. ایشان می‌فرمایند: «خداوند زیبایی و زیباسازی را دوست دارد و خشونت و خشن‌سازی بر او ناگوار است. بی‌گمان هرگاه خداوند نعمتی بر بنده‌اش ببخشد، دوست دارد که بازتابش را بر او بنگرد. از امام پرسیدند چگونه؟ فرمود: جامه‌اش را زیبا سازد. بوی خوش بر خویش بیامیزد، خانه‌اش را سفید کند و آستانه‌های خانه‌اش را از خاک‌روبه بپیراید. حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب، ناداری را می‌زداید و بر روزی می‌افزاید» (عاملی، ج ۳: ۳۴۱). از این روایت لزوم توجه به زیباسازی فضاهای شهری و نمای ساختمان‌ها شهری به خوبی به ذهن متبادر می‌شود؛ به گونه‌ای که نماهای شهری باید نشانگر سطح توانایی شهروندان از لحاظ اقتصادی باشد. آیه‌ای در قرآن اشاره به حیوان‌هایی مانند اسب برای بهره‌گیری آن در حمل و نقل کرده و علاوه بر آن به بهره‌گیری از زیبایی آن توصیه شده است. در این جا قرآن کریم پیشگویی می‌کند که علاوه بر این‌ها (اسب و ...) وسایلی در آینده برای همین هدف (هواپیما، اتومبیل و وسایلی که هنوز انسان به کشف آن نرسیده است) در خدمت انسان‌ها قرار می‌گیرد.

«وَ الْخَيْلِ وَ الْبِغَالِ وَ الْحَمِيرِ لِيُرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ خداوند، اسب‌ها، استرها و الاغ‌ها را آفرید تا بر آن سوار شوید و مایه زینت شما باشد و او چیزهایی خلق می‌کند که شما نمی‌دانید» (نحل: ۸).

نکته مهم این است که اگر مواهب الهی بد بود، خدای منان آن‌ها را خلق نمی‌کرد. تصور نادرستی وجود دارد که امتحان بندگی انسان‌ها در دوری از این مواهب است، در صورتی که بر عکس بهره‌گیری صحیح از این نعمت‌ها توصیه شده است. میان دستگاه آفرینش و دستورات الهی، ذره‌ای تضاد وجود ندارد. لذت بردن از زیبایی جزء فطرت انسان محسوب می‌شود.

اوج همه موارد بیان شده، این که رسول خدا، زیبایی را برای عافیت از خداوند متعال طلب کرده‌اند: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْعِلْمِ وَ زِينَةِ بِالْحِلْمِ وَ أكرمني بالتقوى وَ جمّلني بالعافية؛ خدایا مرا به علم توانگر ساز و به حلم زینت بخش و به تقوی عزیز کن و به عافیت زیبایی ده» (نهج الفصاحه، مجیدی خوانساری، بی تا: ۲۵۱).

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يَحِبُّ الْجَمَالَ؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد» (نهج الفصاحه، مجیدی خوانساری، بی تا: ۳۱۳) (این حدیث هم از پیامبر اسلام و هم از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده است).

با این وصف، لازم است در تمام مراحل شهرسازی از طراحی، نظارت، اجرا و ارزیابی در نقشه‌های مربوط به ساختمان‌ها و فضاهای شهری، اصل زیباسازی به عنوان پایه علم شهرسازی مد نظر قرار گیرد تا آرام آرام اندیشه‌های هنر اسلامی در همه بخش‌های برنامه‌ریزی شهری ساری و جاری شود و شهرهای اسلامی قبل از هر چیزی بیانگر تمدن اسلامی باشند.

۴. زیبایی، محور سرور و شادابی

در اندیشه هنر اسلامی، زیبا اندیشی و زیباسازی در سرور، شادابی، طراوت و امنیت تأثیر گذار است. لذا در توصیف آب و باغ می‌فرماید: «وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ؛ آیا چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آسمان برای شما باران فرستاده که به وسیله آن باغ‌هایتان را بارور، سبز و خرم می‌کنیم» (نمل: ۶۰). در تفسیر این آیه آمده است: «حدیقه» باغی است که هم دیوار دارد و هم آب کافی و «بهجه» (بر وزن لهجه) به معنی زیبایی رنگ و حسن ظاهر است که بینندگان را غرق سرور می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۱۴).

در بهشت نیز وجود زیبایی‌ها سبب رفع اندوه می‌شود. «جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَوْلُؤًا وَ لِيَاسُوهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ؛ باغ‌های جاویدان بهشت است که در آن داخل می‌شوید، به دستبندهای طلا و مروارید آراسته می‌گردند و لباسهایشان از حریر است و می‌گویند: حمد، خدای را که از ما غم و اندوه را برطرف ساخت، زیرا که پروردگار ما بخشنده و سپاسگزار است. همان خدایی که به فضل خویش ما را در این خانه جاودانه جای داد که در آن رنج، خستگی و ضعف به سراغ ما نمی‌آید» (فاطر: ۳۵-۳۳).

یکی از مصادیق زیبایی در شهرها باغ است. در شهر اسلامی برای باغ و اهمیت آن در فضای شهری، اهمیت ویژه‌ای وجود دارد. در قرآن کریم برای توصیف و جایگاه باغ و بوستان از صفت «طیبه» برای پسوند شهر استفاده شده است. «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ» و برای اولاد سبا در وطن‌شان از جنوب و شمال، دو بوستان آیت لطف و رحمت حق بود (همه پر نعمت و به آن‌ها گفتیم که). بخورید از رزق خدای خود و شکر وی بجا آرید که مسکنتان شهری نیکو است و خدای شما غفور و مهربان است» (سبا: ۱۵).

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه آورده است: قوم سبا با استفاده از شرایط خاص مکانی و چگونگی کوه‌های اطراف آن منطقه و هوش سرشار خدادادی، توانستند سیلاب‌هایی که جز

کوچک، سراها و کاروان‌سراها محل آن بود» (اشرف، ۱۳۵۳: ۳۵). از این منظر، کارکرد مذهبی، اقتصادی، اداری و بازرگانی، زیبایی و جایگاه خاصی به شهر می‌دهد. رفتارهای اجتماعی شهروندان بیش از همه موارد می‌تواند به شهر زیبایی دهد. این موضوع از مواردی است که باید در نظام برنامه‌ریزی شهری مورد توجه ویژه واقع شود. رفتارهای مناسب شهروندان در ترافیک، خرید، تفریح، کار، آموزش، آپارتمان‌نشینی و حقوق متقابل شهروندی از مصادیق زیبایی معنایی در شهر است. به ویژه در دین مبین اسلام که همه این مسائل، ضوابط و معیارهای خاص خود را دارد. به عنوان مثال، روایات دینی حرمت همسایه را مانند خون او در نظر گرفته‌اند. «حرمة الجار علی الجار کحرمة دمه؛ حرمت همسایه بر همسایه چون حرمت خون او است» (نهج الفصاحه (مجیدی خوانساری): بی تا، ۴۴۰).

اسلام، رعایت حقوق همسایگان را سبب آبادی شهر و عمر زیاد می‌داند. «خوب همسایه‌داری سبب آبادی شهرها و درازی عمرها می‌شود» (نهج الفصاحه (پابنده)، ۱۳۸۵: ۶۴۲). اهمیت جایگاه روابط اجتماعی و رعایت حقوق همسایگان از این موارد فراتر است و امور دیگری را نیز مانند: رعایت معبر (محدود نکردن آن)، رعایت ارتفاع ساختمان، عدم سایه‌اندازی، محدودیت در ورزش باد و امثالهم. حُسن همجواری، رسیدگی، رفت و آمد، یاری، عیادت، محبت و نیکی شامل می‌شود؛ و از وظایف مورد تأکید در حقوق همسایگان نسبت به یکدیگر است. پیامبر اسلام می‌فرماید: «ساختنمان بلندتر از ساختمان همسایه نباشد که مانع جریان هوا شود، مگر با اذن او» (ذکاو، ۱۳۸۴: ۲۶۴).

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعُونَ لَهُمْ أَنعْمَ الْحَقِّ آيَاتِ خُودِ رَا دُرُودِ سْتَهَا وَ دُرُ خُودِ شَانِ بَه أَنَهَا نِشَانِ خُوهِيمِ دَاد، تَا جَائِي كَه بَرَايِ أَنَهَا رُوشَن شُود كَه اَيْنِ قُرْآنِ حَقِ اسْت» (فصلت، ۵۳).

نتیجه‌گیری

با استناد به آیات و روایات الهی می‌توان دریافت که اولاً عشق به زیبایی سر منشأ فطری دارد و در ذات بشر به ودیعه نهاده شده است. ثانیاً اندیشه هنر اسلامی دنیا را نردبان آخرت قرار داده و ورود به بهترین محل استقرار و نیکوترین اسکان در آخرت نیازمند به عبور از این نردبان است؛ یعنی برای ورود به زندگی زیبای آخرت، باید ابتدا مصادیق آن در این جهان تجلی یابد. دین اسلام قبل از آبادی جهان آخرت، این دنیا را آباد می‌کند. باید پذیرفت که دنیای فقر، ظلمت، زشتی، جهل، ظلم، نابسامانی، ذلت و ناامنی نمی‌تواند مقدمه آخرتی زیبا، عزت، امنیت و سعادت گردد. ثالثاً چنین اندیشه‌ای نیازمند شهرهایی در شأن تمدن اسلامی است، بنا بر این توجه به زیباسازی فضاهای شهری و نمای ساختمان‌های شهری، از اصول ابتدایی هنر اسلامی تلقی می‌شود و ضروری است شهرهای اسلامی قبل از هر چیز بیانگر اوج تمدن اسلامی باشند. برنامه‌ریزان شهری لازم است در تمام مراحل شهرسازی از طراحی، نظارت، اجرا و ارزیابی در نقشه‌های مربوط به ساختمان‌ها

ویرانی نتیجه‌ای نداشت، در پشت سدی نیرومند متمرکز کنند، و به وسیله آن کشوری آباد بسازند، چه آیت بزرگی که عامل ویرانی تبدیل به مهم‌ترین عامل عمران گردد. هم چنین ایشان در تفسیر بلده طیبه و رب غفور می‌نویسد: نکته مهمی که از تفاسیر مختلف استنتاج می‌شود این که عمران و آبادانی شهرها بستگی به تدبیر، برنامه‌ریزی و تلاش دارد. تمدن ماندگار و درخشنده اسلامی برگرفته از تعالیم پویایی بود که خداوند متعال امر به آبادان کردن زمین داده است. «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»، او شما را از زمین پدید آورد و خواست که آن را آباد سازید و آبادانی پدید آورید» (هود: ۶۱).

در آفرینش نظام هستی، خداوند متعال همه چیز را دقیق و اندازه‌گیری شده و با نظم آفریده است. نمونه این امر در آیه دوم از سوره مبارکه فرقان ذکر شده است: «... وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ قَفْزَةً تَقْدِيرًا؛ و همه چیز را آفرید و دقیقاً اندازه‌گیری نمود.» (الفرقان: ۲). در تفسیر این آیه آمده است: «با توجه به این که انجام خلقت همواره با وساطت اسبابی مقدم و اسباب دیگری مقارن است، این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که وجود هر چیز و آثار وجودیش به اندازه و مقداری باشد که علل و عوامل متقدم و مقارن آن تقدیر می‌کند» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵).

«معمار مسلمان چنین مفهومی از فضا و فضاسازی داشت، برای او «جسم» بدون «روح» معنا نداشت و فضا همواره دارای بار ارزشی و معنوی قوی بود. اما امروز وقتی صحبت از معماری می‌شود، چیزی که مطرح نیست، همان جان و روح حاکم بر فضاهاست» (مظلومی، ۱۳۶۶: ۱۶۷).

در سوره مبارک اعلی، پس از تسبیح خداوند تبارک و تعالی (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى؛ (الأعلى: ۱)، نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را منزه دار) به نظام‌بخشی عالم اشاره شده است (الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّى الْأَعْلَى: ۲)، همان خداوندی که آفرید و منظم کرد. این نظم‌بخشی در شهرسازی اسلامی با مصادیق «تقارن»، «تباين»، «تناسب» و ... خودنمایی می‌کند.

۵. زیبایی معنا در شهر

زیبایی تنها در مصادیق کالبدی کاربرد ندارد، بلکه در مصادیق مفهومی و اندیشه‌ی شهر هم قابل بررسی است. احمد اشرف در تعریف مدینه می‌گوید: «مدینه واژه‌ای است که مفهوم اصلی آن با مفهوم شهرستان در زبان پهلوی بسیار نزدیک است. مدینه، جایگاهی است که عدالت در آن اجرا می‌شود و مقرر دولت یا نمایندگان حکومت است. مدینه، گذشته از موقعیت اداری، دارای نقش مذهبی پر اهمیتی نیز بوده است. یکی از رسوم مذهبی پایدار مسلمانان، خواندن نماز جماعت در روز جمعه است. از این رو مسجد آدینه رفته رفته به صورت یکی از ارکان اصلی زندگی شهری و یکی از نشانه‌های مشخص‌کننده شهر شد تا بدان جا که در اوایل دوره اسلامی، سکونت‌گاهی مقام شهر پیدا می‌کرد که مسجد آدینه داشته باشد. یکی دیگر از خصوصیات شهرهای اسلامی، کارکرد بازرگانی و صنعتی آن‌ها است که بازارها و چهارسوه‌های بزرگ و

و فضاهای شهری، اصل زیباسازی را به عنوان پایه علم شهرسازی مد نظر قرار دهند. اگر چنین اندیشه‌ای در مراکز علمی شکل گیرد، آن گاه اثر آن در همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، روانی و کالبدی شهر تجلی خواهد نمود.

بی‌جهت نیست که هنر اسلامی در ابتدای پیدایش اسلام توانست چنان مردم عقب مانده‌ای را در کوتاه مدت به قدری پیش ببرد که علم و دانش را به اعتراف دوست و دشمن به همه جهان صادر کنند. به اعتراف مورخان معروف اروپا، این نور علم و دانش مسلمانان بود که بر صفحه اروپای تاریک قرون وسطا تابید، و آن‌ها را وارد عصر تمدن ساخت. چقدر نازیباست مسلمانان با چنین آیینی، در میدان هنر اسلامی عقب بمانند و نیازمند دیگران و حتی وابسته به آن‌ها شوند؛ تا جایی که هر شهروند کشورمان که به کشوری بیگانه وارد می‌شود، قبل از هر چیز مقهور فضاهای ساخته شده آن‌ها می‌شود.

نکته مهم دیگری که لازم است به آن توجه شود، بهره‌گیری از نعمت‌های الهی توسط افراد نیکوکار است. قرآن کریم شایسته‌ترین و سزاوارترین مردم به استفاده از نعمت‌ها و زیبایی‌ها را افراد نیکوکار می‌داند. متأسفانه در فرهنگ امروزی (برخی اقبال) چنان این مسائل وارونه جلوه داده شده است که پیدایی هر گونه رفاه و زیبایی در زندگی نشانه دوری از دین و در عوض هر گونه فقر و فلاکت و استضعاف نشانگر اوج ایمان است. چنین اندیشه‌ای مانع ظهور و بروز تمدن اسلامی است.

زیبایی، اساس آفرینش در همه جهان هستی و مخلوقات آن است. تغییر در فرهنگ و اندیشه شهرسازان با تأکید بر محوریت زیباسازی با استناد به تأکید آیات و روایات، اولین وظیفه هر شهرساز است. این وظیفه در همه عرصه‌ها از مکان‌یابی شهر گرفته تا جهت شهر، کالبد شهر، سیمای شهر، ضروری است. تجلی و ظهور و بروز شهر زیبا قبل از طراحی و ساخت، نیازمند فرهنگ‌سازی و تعمیق بخشی هنر اسلامی در زیباسازی، زیباندیشی و زیبانگری است. اگر این اندیشه در جامعه شکل گیرد، آن گاه تجلی آن در شهر آسان‌تر و اجرایی‌تر خواهد شد. گنجینه‌های گرانبهای زیبایی در خلقت طبیعت مانند تنوع رنگ‌ها، نظم، پویایی، تناسب، تقارن، تباین، شادابی، طراوت و پاک، اصل اول شهر زیباست. بهره‌گیری از هنر هنرمندان و ذهن خلاق انسان‌ها و تشویق و ترغیب این اندیشه برای جریان پیدا کردن در همه عرصه‌های شهری، دومین اصل شهر زیباست. الگوبرداری از طرح‌های موفق و تاریخی با توجه به هویت و اقلیم هر شهر و انطباق آن با نیازهای امروزی، با مد نظر قرار دادن دو اصل قبلی، اصل سوم شهر زیباست. در هنر اسلامی، زیبایی هم در فضا و کالبد شهر و هم در تعاملات اجتماعی تعریف شده است. تجلی این حقیقت در آفرینش نظام هستی بروز کرده و همه آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن‌ها وجود دارد، دقیق و اندازه‌گیری شده است. در آیات قرآن و روایات معصومان علیه السلام، وجود مواهب جهان مادی همه از نعمت‌های خداوند محسوب می‌شود. وجود آن‌ها در نظام خلقت لازم است و بهره‌برداری، آن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و تکامل انسان یاد شده است.

نگرش اصلی در جهت دعوت انسان به حیاتی سالم و انسانی در جهت استفاده از نعمت‌های الهی زمین است.

تجلی، ظهور و بروز هنرهای زیبا در عرصه‌های شهرسازی و معماری قبل از نقشه و مصالح و تکنولوژی، نیازمند ارائه حقایق بی‌بدیل قرآنی در پیدایش «شهر زیبا» است. هنر هر جامعه‌ای برگرفته از عملکرد فضاها و عملکرد هم برگرفته از اندیشه و معانی حاکم بر فضای فرهنگی کشور است. اگر این معنا و اندیشه حاکم بر کشور، زندگی و حیات محقرانه، پلیدی، زشتی، آلودگی و خشونت را به نام دین توجیه کند و از طرفی بهره‌مندی از نعمت‌های الهی و به کارگیری آن در زندگی را مایه ننگ و عار و عیاشی بداند، آن گاه باید منتظر شهرهایی فقیر، کثیف و آلوده بود.

در مقابل تفکری که زیبا اندیشی، زیبانگری و زیباسازی را در همه عرصه‌های عمومی و خصوصی به عنوان اصلی مهم در مبانی دین اسلام مورد توجه قرار دهد و نعمت حیات دنیا را با عنوان بهره‌مندی انسان از مواهب الهی بداند و این جهان را مقدمه‌ای برای کسب کمال ببیند و آن را ضروری و لازم بشمارد، آن گاه شهرهایی زیبا را در جهان به نمایش خواهد گذاشت که الگوی همه برنامه‌ریزان عالم قرار گیرد. در هنر اسلامی، حیات، نعمتی الهی و مقبول است که از آن با عنوان حیات طیبه نام برده و مردم را به زندگی تشویق نموده و سپس خواستار شکر آن شده است. اسلام، زیبایی را تحسین و تمجید نموده و از تحریم بی‌جهت زینت‌های الهی نهی کرده است.

بی‌نوشت‌ها

- ۱- بر اساس قانون مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱، شهرداری در جایی می‌توانست تاسیس شود که جمعیت آن بالغ بر پنج هزار نفر باشد.
- ۲- جامع تفاسیر نور، دائرة المعارف چند رسانه‌ای قرآن کریم، مرکز تحقیقات کامپیوتری اسلامی.
- ۳- جامع تفاسیر نور، دائرة المعارف چند رسانه‌ای قرآن کریم، مرکز تحقیقات کامپیوتری اسلامی.
- ۴- (قصص: ۱۵) (اعراف: ۱۲۳) (توبه: ۱۰۱ و ۱۲۰) (یوسف: ۳۰) (حجر: ۶۷) (کهف: ۱۹) (کهف: ۸۲) (نمل: ۴۸) (قصص: ۱۸ و ۲۰) (احزاب: ۶۰) (یس: ۲۰) (منافقون: ۸) (اعراف: ۱۱۱) (شعرا: ۳۶ و ۵۳) (بقره: ۵۸) (اعراف: ۱۶۱) (یوسف: ۸۲) (نسا: ۷۵) (اعراف: ۱۶۳) (انبیا: ۷۴) (فرقان: ۴۰) (عنکبوت: ۳۱ و ۳۴) (یس: ۱۳) (سبا: ۱۸).
- ۵- صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ؛ کر و لال و کورند و به سوی حق بر نمی‌گردند» (بقره: ۱۸).
- ۶- (بقره: ۱۲۶) (یوسف: ۹۹) (ابراهیم: ۳۵) (تین: ۳) (سبا: ۱۵).
- ۷- کهف: ۳۱- حج: ۲۳- فاطر: ۳۳- انسان: ۲۱.
- ۸- بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده و نیز روزی‌های پاکیزه را حرام کرده؟ بگو: این زینت‌ها و نعمت‌ها برای افراد با ایمان در زندگی دنیا آفریده شده و در روز قیامت متعلق به اینهاست، بدین طریق آیات را برای مردم دانا به‌طور مبسوط بیان می‌کنیم» (اعراف: ۳۲).

۹- فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سُوءٌ، سَنَزْتُهُ عَلَيْهِ. چنانچه بر عیب همسایه‌ات آگاه شدی، باید آن را پنهان سازی. لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفُّ الْأَذَى وَلَكِنَّ حُسْنَ الْجَوَارِ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى. همسایه داری نیکو، به آزار نرساندن نیست، بلکه همسایه داری نیکو، در صبر بر آزار همسایه است. «لَيْسَ مَنْ مَن لَمْ يَحْسَنْ مَجَاوِرَةً جَارَهُ» «از ما نیست آن کسی که با همسایه اش به نیکی رفتار نکند.»

فهرست منابع و مراجع

- ۱- ابن الرامی، الاعلان باحکام البنیان، به تصحیح عبدالرحمان بن صالح به عنوان رساله فوق لیسانس در سال ۱۴۰۳ هجری. شمسی به دانشگاه محمد بن مسعود ارائه گردیده است.
- ۲- ارفع، سید کاظم (۱۳۸۱)، ترجمه قرآن، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، تهران
- ۳- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۴، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، تهران.
- ۴- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، انتشارات دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم.
- ۵- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، پیام رسول ترجمه‌ای دیگر از نهج الفصاحه، انتشارات طلوع مهر.
- ۶- جعفری، محمدتقی (بی تا)، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- ۷- جهانگیر، منصور (۱۳۷۹)، قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، نشر دیدار، تهران.
- ۸- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۹- حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۴)، وسایل الشیعه، جلد ۳، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
- ۱۰- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، امام علی (ع) و اقتصاد اسلامی، نشر مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، قم.
- ۱۱- دشتی، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ معارف نهج البلاغه، جلد ۱، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، قم.
- ۱۲- طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات دفتر جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، قم.
- ۱۳- عبدالستار، عثمان محمد (۱۳۷۶)، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، امیرکبیر، تهران.
- ۱۴- فیض کاشانی، الوافی، جزء ۱۱
- ۱۵- کنز العمال: ۱۱۰۲۹: سمره / الفردوس ج ۳ ص ۵۷۵۶ / سنن ابی داود کتاب الجهاد باب ۱۸۱.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الانوار، ج ۷۳ و ج ۷۴.
- ۱۷- مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۶)، روزنه‌ای به باغ بهشت، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه هنرهای اسلامی، تهران.
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، تهران.
- ۱۹- نجم‌الدین بامات (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۲۰- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی، انتشارات مانی، تهران.